

تجزیه طلبان در ایران توده ای و کمونیستی انگلیسی هستند

چرا سایت شما به کارگر و کمونیسم علاقه نشان داده است و حتی یک پست را برای تشریح کامل کمونیسم اختصاص داده اید؟ این نمایان می سازد که جمهوری خواهی شما پوششی برای فعالیت های توده ای و کمونیستی شما باشد که البته! جنس تجزیه طلبان در مناطقی آذربایجان، کردستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان از توده ای های کمونیستی و انگلیسی میباشد و مردم ایران با یگانگی خود وقتی به این دشمنی ها نمی دهند و تو دهنی محکمی به تجزیه طلبان می زنند.

سخن درست ولی وجود مشکل مالی در اپوزسیون

بسیار سخن معقول و پیشنهاد درستی است ولی مشکل اساسی اپوزسیون پس از سالها تلاش و دیدن زحمات نداشتن بودجه و امکانات در سطح معقول بوده است. برای مثال عرض می کنم. همین مقاله که بسیار درست و دقیق نوشته شده است اگر بودجه ای مناسب وجود داشت میتوانستید به فیس بوک پیشنهاد پرموت کردنش را بدهید که به صورت اتوماتیک روی صفحه همه فارسی زبانان برود. یا حتی میتوانستید به صورت چاپی در داخل کشور توزیع کنید. پس تا راه حل مالی حل نشود همه تئوری ها بی نتیجه خواهد ماند تا زمانی که : 1- یا یک فرد پیدا شود و این مشکل مالی را حل کند 2- یک دولت این کار را انجام دهد که دیگر حرکت ملی نیست

برنامه پرگار و گرم کردن تنور انتخابات

از : علی اردلان عنوان : برنامه پرگار و گرم کردن تنور انتخابات
سردبیر محترم اخبار روز باسلام. اکنون که درست نگاه میکنم متوجه میشوم این برنامه نیز در راستای گرم کردن تنور انتخابات ساخته شده و بنا بر این هدف بی بی سی روشنگری نبوده بلکه کاملاً هدفی سیاسی را دنبال می کرده و ظاهراً این روند تا انتخابات همچنان ادامه خواهد یافت. معتقدم اگر سرکوب شدید مخالفین در داخل هماهنگ با این رسانه ها و گروه های به ظاهر اپوزیسیون عمل نمی کرد، تاکنون جمهوری اسلامی چندین کفن پوسانده بود. به زورتبلیغات می خواهند مردم به قبولانند که رقابتی بین جناح های حکومت وجود دارد که پشتیبانی شما را از یک طرف منازعه می طلبد و همزمان که این فریب را تبلیغ میکنند به شدت مخالفین را در داخل سرکوب یا از بین میبرند (درگیری جناحی وجود دارد ولی این درگیری ربطی به منافع مردم ندارد). طوری اینکار را میکنند که این تصویر شکل بگیرد که فقط در فضای سیاسی داخل کشور اصلاح طلبان فعالند و صدائی از هیچ کس به گوش نمیرسد. اگر توجه بکنید کلیه فعالین مدنی و سیاسی مستقل، اعتقادی به این نمایشات انتخاباتی ندارند و به صراحت اعلام میکنند که تاروی که انتخابات دموکراتیک برگزار نکرد در این نمایشات مسخره شرکت نخواهند کرد (همین خانم شیرین عبادی و شخصیت های مهم مدنی و سیاسی دیگر) در اصل این صدای واقعی جامعه است که توسط این رسانه ها و گروه های طرفدار حکومت (نظیر همین گروه های به اصطلاح رفرمیست خودمان) گم شده و به جایی نمیرسد زیرا این ها وارد چرخه قدرت شده اند و وزارت های پنهانی زیادی بهره میبرند (از پول های مافیای رفسنجانی بهره مند میشوند) حتی این ها کمک های اطلاعاتی از حکومت میگیرند. شبکه گسترده ای برای مسخ جامعه ساخته اند که با وجود نا کارآمدی شدید این رژیم همچنان بخوبی دارد کار میکند. آمریکائی ها و انگلیس ها چه می خواهند آیا دنبال اسلام میانه رویی نظیر دولت اردوغانند که بیشک در برآمدن و تسلط اردوغان بر ترکیه همین کشورها نقش اول را بازی کردند. خوب ماهیت واقعی اسلام میانه رو را هم در ترکیه دیدیم و هم در مصر. با چنین رویکردی از طرف این قدرت ها، آینده قشنگی برای ایران قابل تصور نیست. (این حضرات تنها چند سال ژست لیبرالی به خود میگیرند و دوباره به ماهیت ارتجاعی خود بازمیگردند). به هر حال مسئله به قدری لوس شده که دیگر رهبران این تفکر منحنی مثل روزهاییکه

در سال ۸۸ (دراوج سرکوب ها) مردم رادعوت به شرکت در انتخابات مجلس در سال ۹۰ میکردند نمی توانند از زیر بار گناهان شان فرار بکنند. اکثر مردم آگاه ایران در اثر غارت ها و بی مبالاتی این رژیم جنایتکار دیگر تمایلی به شرکت در این نمایشات غیردموکراتیک و بیفایده راندارند. حال این هائیکه از یک عده آدم ز رنگ رانت بگیر، دنباله روی میکنند به یاد داشته باشنـد که مردم دیگر اشتباهات مکرر آنها را نخواهند پذیرفت. مردم روز به روز در مسیر آگاهی قدم برمی دارند و مطمئن آروزی این شبکه مافیائی قدرت را که در صد فریب مردم است کاملاً خواهند شناخت و آنروز روز مرگ اندیشه های ارتجاعی طرفدار ماندگاری جمهوری جهل و جنایت خواهد بود. ۷۰۹۲۶ - تاریخ انتشار : ۱۷ آبان ۱۳۹۴

نگاهی به شرایط ایران...

به نظر من تحلیل‌های این نوشتار از جامعیتی برخوردار است. با نگاهی کارشناسانه خصلت‌های غیر دموکراتیک و همسوی سرمایه داری جهانی رژیم تئوکراتیک بر ایران را توضیح میدهد. امیدوارم که تحلیل‌هایی از نوع این مقاله مورد نظر کنشگران سیاسی و اپوزان‌های ایرانی قرار گیرد. با آرزوی توفیق برای نویسنده

Mr.

سلمان رشدیها قابل ستایشند . اگر کالبد ادیان شکافته نشود ، عفونتش همه جهان را بتعفن خواهد کشید .

تصحیح

من امروز و به تصادف این نوشته رفیق دیرینه و عزیزم فریبرز سنجری را دیدم و خواندم. از او بسیار سپاسگزارم که به حافظه من یاری رسانده تا بتوانم چند نکته را در نوشته ام با عنوان " من مرگ را دیدم" تصحیح و تدقیق کنم: ۱- من بسیار متأسف هستم که حضور رفیق علی رضا نابدل در آن اتاق به کلی از حافظه من پاک شده است ، تا به آن حد که فکر می کردم من اصلا او را ندیده ام. به رغم آن چه که فریبرز نوشته است و اشارات دیگری که از رفقای حاضر در آن جمع برای حضور و یا عدم حضور نابدل دنبال کرده ام، هنوز هم نمی توانم چهره و رفتار او را در آن اتاق عمومی اوین به خاطر بیاورم و جز شرمندگی پاسخی برای آن ندارم. ۲- آن چه را که درباره مقاومت ها و ضعف های رفقا نابدل و مناف فلکی نوشته ام، طبعاً به میزان حافظه ضعیف من بر می گردد و تصحیح می کنم که در آن اتاق عمومی و از رفقا شنیدم که رفیق مناف فلکی بنا به خواست خودش نمی خواسته که به جمع آورده شود و این امر درباره رفیق نابدل صدق نمی کند. ۳- متأسفم از این که حافظه ام یاری نداده است که اسامی دیگری از رفقای چریک فدائی را که در آن اتاق با هم بودیم را ذکر کنم؛ باید سپاسگزار رفیق سنجری بود که با حافظه خوبش اسامی آنها را در این نوشته خود ذکر کرده است. ۴- در نوشته من آمده است : " در این اتاق بود که مطلع شدیم که گروه دیگری هم تشکیل شده که خط مشی چریکی را در دستور کار خود دارند ولی با دیدگاه اسلامی"؛ تصحیح می کنم که من و نه "ما"! این بی دقتی ناشی از آن است که چون من درس لول بودم و بی خبر از همه حوادث، تنها با آمدن به اتاق عمومی بود که از این موضوع برای اولین بار مطلع شدم.